

بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌یی امارت اسلامی افغانستان



علیرضا انصاری کارگر^۱

چکیده

در عصر کنونی، کنش و واکنش بازیگران و رخداد‌های سیاسی فقط محدود و محصور در حوزه داخلی کشورها نیست، بل که تحولات سیاسی، پیامدهایی را برای سایر کشورها به همراه دارد. با به قدرت رسیدن حکومت امارت اسلامی در سال ۲۰۲۱ تعاملات منطقه‌یی هم‌دگرگون گردید؛ زیرا بازیگران جدید منافع و قواعد خاصی را تعقیب کرده‌اند. کشورهای ذی‌دخل در امور افغانستان در چهارچوب الگوی منطقه‌یی سازمان هم‌کاری شانگهای، عدم حضور امریکا را هم برای حکومت امارت اسلامی و هم برای کشورهای عضو فرصت دانسته‌اند. با توجه به اهمیت موضوع پرسش اصلی تحقیق این بوده است که سازمان هم‌کاری شانگهای، چه نقشی بر هم‌گرایی منطقه‌یی امارت اسلامی افغانستان دارد؟ فرضیه این بوده است که سازمان هم‌کاری شانگهای، سیاست‌های ضدّ داعشی امارت اسلامی افغانستان را به‌عنوان فرصتی برای هم‌گرایی امنیتی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها می‌داند. برای انجام پژوهش حاضر از روش تبیینی - تحلیلی استفاده شده است و داده‌ها به روش کتابخانه‌یی انجام گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که سازمان هم‌کاری شانگهای در امر مبارزه با داعش، قاچاق مواد مخدر با حکومت کنونی هم‌سویی داشته و چنین روی‌کردی باعث شده تا امارت اسلامی فرصت هم‌گرایی با محوریت سیاسی (مشروعیت منطقه‌یی)، اقتصادی (استفاده از سازوکارهای اقتصادی کشورهای عضو) و امنیتی (مبارزه با هراس‌افگنی) را به‌منظور تعامل معنادار به‌دست آورد.

واژه‌گان کلیدی: هم‌گرایی، سازمان هم‌کاری شانگهای، یک‌جانبه‌گرایی، مشروعیت‌زایی،

منطقه‌گرایی.

Studying the Role of Shanghai Cooperation Organization in the Regional Convergence of the Islamic Emirate of Afghanistan



Alireza Ansary " kargar"¹

Abstract

In the contemporary era, the actions and consequences of actors and incidents extend beyond the domestic spheres of countries, as political advancements have implications for other nations. With the emergence of the Islamic Emirate's prominence in 2021, regional dynamics have transformed, as new actors pursue specific objectives and rules. Countries involved in Afghan affairs perceive the absence of the United States within the regional framework of the Shanghai Cooperation Organization (SCO) as a chance for both the Islamic Emirate government and its member states. Given the significance of this subject, the primary research question is: What role does the SCO play in the regional integration of the Islamic Emirate government? The hypothesis is that the SCO views the Islamic Emirate's anti-ISIS policies as an opportunity for security, political, and economic convergence. This study adopts an explanatory methodology and collects data through library research, encompassing scientific journals and reliable news agencies. These findings indicate that the SCO aligns with the current government in combating ISIS and drug trafficking. This approach enables the Islamic Emirate to seize opportunities for regional political legitimacy, economic collaboration utilizing member states' economic mechanisms, and security convergence through anti-terrorism efforts, thus facilitating meaningful interaction.

Keywords: Convergence, Shanghai Cooperation Organization, Unilateralism, Legitimization, Regionalism.

¹ Administrative Department - Diplomacy, Faculty of Law and Political Sciences, Jami University, Herat, Afghanistan

(alirezaansary@yahoo.com)



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان در واقع فرصتی شد برای کشورهای قدرت مند منطقه‌یی تا با استفاده از این وضعیت بتوانند جای خالی امریکا را در تعاملات افغانستان پر نمایند. در عصر کنونی کنش و واکنش بازیگران و رخدادهای سیاسی فقط محدود و محصور در حوزه داخلی کشورها نیست؛ بل که تحولات سیاسی پیامدهایی را برای سایر کشورها به همراه دارد؛ به تعبیری، آینده افغانستان برای همسایه‌گان اهمیت راه‌بردی دارد. بر همین اساس، کشورهایی که در امور افغانستان هم‌واره دخیل بوده‌اند، تلاش کرده‌اند تا در چهارچوب الگوهای منطقه‌یی با حکومت کنونی در کابل وارد تعامل گردند و از طرفی امارت اسلامی هم‌چنین تعاملاتی را فرصت سیاسی دانسته است.

۲۰ سال بعد از سال ۲۰۰۱ را می‌توان تحول دیگر در سیاست افغانستان دانست، بازگشت و احیای مجدد حاکمیت امارت اسلامی در واقع ساختار دیگری را به وجود آورد. با به قدرت رسیدن آن‌ها، این بازیگر از حالت «جنبش» اسلامی تبدیل به حکومتی گردید، که رفتارهای خاص از آن توقع می‌رود. سه الگوی جنبش‌های اسلامی معاصر، یعنی تصاحب قدرت، مشارکت در قدرت با رژیم مستقر و سرکوب جنبش توسط رژیم مستقر (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۳: ۱۲)، از جمله الگوهایی است که می‌توان امارت اسلامی را در الگوی اول قرار داد؛ زیرا آن‌ها توانستند که یک نظام حاکم حامی غرب را در فرایند دیپلماسی - جنگ ساقط کند. این امر در واقع سبب می‌گردد تا تمام رفتارها، عمل کردها و باورهایی که از یک دولت توقع می‌رود، مورد بازنگری و بازخوانی مجدد قرار بگیرد.

مسئله این است که طالبان در نتیجه دیپلماسی - جنگ توانستند در سال ۲۰۲۱ دوباره به قدرت برسند؛ ولی آن‌چه تا امروز مشاهده می‌شود، این حکومت نتوانسته است همانند حکومت قبلی، مشروعیت سیاسی بین‌المللی را به دست بیاورد (البته تحركات منطقه‌یی در این راستا پدیدار گردیده) و تا کنون به صورت رسمی توسط واحد سیاسی به صورت صریح به رسمیت شناخته نشده است؛ به استثنای چین، که استوارنامه سفیر طالبان (بلال کریمی) توسط رئیس‌جمهور چین - شی جین پینگ - در تاریخ (۱۰ دلو ۱۴۰۲ - ۳۰ جنوری ۲۰۲۴) به صورت رسمی پذیرفته شد. عدم شناسایی از طرف سایر کشورها را می‌توان بزرگ‌ترین چالش فراروی نظام سیاسی جدید دانست؛ زیرا بسیاری از تعاملات در سطح منطقه‌یی و بین‌المللی در حقیقت بازشناسی و شناخت واحدی است که در یک جغرافیا حاکمیت دارد. امروزه دولتهایی که از طرف قدرتهای حاکم بین‌المللی منزوی شده‌اند یا به عنوان بازیگر سیاسی، مهم در نظر گرفته نمی‌شوند، پیوست و هم‌گرا شدن با سازمان‌های منطقه‌یی گزینه بعدی قلم‌داد می‌گردد؛ زیرا منطقه‌گرایی با تکیه بر ارزش‌هایی مانند هم‌کاری، اتحاد و صلح یک الگوی تعاملی و مدلی متفاوت از کاربست قدرت در عرصه بین‌المللی است (رئیس‌نژاد و برنجی، ۱۴۰۱: ۱۰۵).

[بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌ی امارت ۱۰] **عالمی**

ضرورت و اهمیت نگارش این پژوهش با ابتناء به این است که حکومت کنونی می‌تواند با هم‌سویی و هم‌گرایی نسبت به ارزش‌های سازمان‌های منطقه‌ی، چون سازمان هم‌کاری شانگهای و پیوستن به آن، فشارهایی که از طرف امریکا وارد می‌گردد را کاهش دهد و زمینه‌ی مشروعیت منطقه‌ی را به دست آورد و مبارزه با داعش می‌تواند گام نخست در اعتمادسازی با اعضای سازمان باشد و این امر باعث پدیداری فرصت‌های اقتصادی و ثبات سیاسی می‌شود. انتخاب این سازمان به دلیل موجودیت بازیگران قدرتمندی چون روسیه، چین، هند، ایران، پاکستان، کشورهای آسیای مرکزی و عدم عضویت امریکا است، که با تعامل با آن‌ها در یک سازمان به‌عنوان شریک، فرصت‌های جدیدی را برای حاکمیت کنونی مهیا می‌سازد.

در مورد پیشینه‌ی تحقیق باید گفت که پیرامون نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌ی امارت اسلامی افغانستان تاکنون به‌صورت جامع و کامل تحقیق نشده است، علت آن را می‌توان به قدرت‌رسیدن دوباره‌ی آن‌ها دانست. گرچه در مورد نقش، ماهیت، کارکرد و مبنای شکل‌گیری سازمان هم‌کاری شانگهای مطالعات و مقالات زیادی نگاشته شده است، ولی از آنجایی که امارت اسلامی در سال ۲۰۲۱ عملاً قدرت سیاسی را به دست گرفت، بازنگری نقش این حکومت در روندهای منطقه‌ی، مهم‌ترین موضوعی است که کم‌تر مورد واکاوی قرار گرفته و این خود بکر و جدید بودن موضوع پژوهش را نشان می‌دهد. در ادامه صرفاً چند نمونه از مقالات و پژوهش‌هایی که ارتباط بیش‌تری با موضوع بحث پژوهش کنونی دارد، پرداخته می‌شود:

کولایی و تیشه‌یار (۱۳۹۱)، در مقاله‌ی تحت عنوان «نقش امنیت‌ساز هم‌کاری شانگهای در پیرامون افغانستان» بر این باورند که نزدیکی جغرافیایی اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای به افغانستان، می‌تواند زمینه‌ی خوبی را برای هم‌کاری این کشور با کشورهای پیرامونی به‌صورت دو و چندجانبه فراهم کند تا در زمینه‌هایی مانند کنترل کشت مواد مخدر، بازداشتن گروه‌های تروریستی از ایجاد ناامنی و ساخت راه‌های انتقال انرژی فراهم آورد؛ هم‌چنین افغانستان می‌تواند از فرصت‌هایی که در سازمان هم‌کاری شانگهای وجود دارد در بازسازی اقتصاد ناتوان خود یاری رساند. نتایج این تحقیق زمانی منتشر شده که دولت جمهوری اسلامی افغانستان حاکم بود و امارت اسلامی هنوز به عنوان هم‌اورد دولت حاکم فعالیت می‌کرد.

آدمی و عزیز (۱۳۹۲)، در اثر پژوهشی خود «سازمان هم‌کاری شانگهای و تهدیدات امنیتی مشترک در آسیای مرکزی» نشان می‌دهند که دغدغه‌های امنیتی، مهم‌ترین زمینه‌ی تشکیل سازمان هم‌کاری شانگهای است و عامل امنیت طی حیات این سازمان هم‌واره به اشکال گوناگون برجسته‌گی بیش‌تری نسبت به دیگر ابعاد داشته؛ هم‌چنین، این سازمان توانسته در سه سطح کلان (فروپاشی شوروی - خلا ژئوپلیتیک)، سطح منطقه‌ی (اختلاط اقوام در آسیای مرکزی، ناامنی،

قاچاق مواد مخدر، رقابت و تنش‌های منطقه‌یی... و سطح داخلی (نوعیت و ساختار عمل کرد دولت) نسبت به رفع تهدیدات اعضا اقدام کند و به این ترتیب، توانسته اولین چهارچوب واقعی را برای هم‌کاری‌های مؤثر چندجانبه امنیتی در منطقه به وجود آورد.

بایبوردی و هم‌کاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی سیاست خارجی آمریکا در مبارزه با تروریسم: اهداف و پیامدهای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن»، یافته‌اند که در سده کنونی آنچه منافع آمریکا را بیش از همه تهدید می‌کند پدیده تروریسم است، و این که برای نخستین بار است که آمریکا در طول تاریخ خود با بازیگر غیردولتی به عنوان خطر اصلی مواجه شده است؛ و از طرفی عدم روی کرد، منافع و اهداف واحد از سوی آمریکا، منجر به تعارض بازیگران منطقه‌یی و فرمانطقه‌یی در افغانستان گردید، که باعث عدم شکل‌گیری روی کرد مشترک منطقه‌یی شد و پیامد آن تداوم منازعات سیاسی، امنیتی و اجتماعی در افغانستان گردید. این تحقیق امارت اسلامی را به عنوان یک بازیگر غیردولتی می‌داند؛ در حالی که در شرایط کنونی، امارت اسلامی یک بازیگر دولتی است. در عین حال، سیاست‌های نامتقارن آمریکا و عدم توجه به بازیگران منطقه‌یی که در امور افغانستان دخیل بوده دقیق است.

سیمبر و پادروند (۱۳۹۷) در مقاله‌یی با عنوان «چالش‌های سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی» می‌نویسند که روسیه در سند امنیت ملی سال ۲۰۱۵ و در دور دوم ریاست جمهوری پوتین، آسیای مرکزی را به بخشی از حیاط‌خلوت یا منطقه نفوذ خود می‌داند و تهدیدهای تروریستی در آسیای مرکزی را به عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های امنیتی خود حساب می‌کنند؛ زیرا در این مناطق احزاب مخالف فعالیت می‌کنند، که برخی از آن‌ها به یک تهدید بالقوه تبدیل شده و نیروهای آن‌ها با برخی از جریان‌ها هم‌سو شده‌اند. نویسنده‌گان در آن تحقیق باورمند بودند که بحران‌های امنیتی در افغانستان افزایش یافته و روسیه در تلاش است که از تصاعد بحران‌ها به محیط منطقه‌یی و داخلی خویش جلوگیری کند. این مقاله هنگامی نگارش یافته که امارت اسلامی هنوز به قدرت نرسیده بود؛ در حالی که با به قدرت رسیدن آن‌ها، داعش فعالیت‌هایش به شدت کاهش یافته است.

صانعی، ترابی و رضایی (۱۴۰۱)، در تحقیق «رویکرد چین در قبال قدرت‌یابی طالبان در افغانستان (با تأکید بر ابتکار جاده ابریشم)» نشان می‌دهند که چین به دلیل رقابت کلان با ایالات متحده آمریکا، جزو معدود کشورهای جهان است که روی کرد مثبتی نسبت به قدرت‌یابی امارت اسلامی در افغانستان دارد. این کشور قدرت‌یابی امارت اسلامی را عاملی برای تضعیف نقش و نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه می‌داند. حکومت امارت اسلامی نیز در شرایطی که با انزوای منطقه‌یی و جهانی مواجه است، از روابط با چین در حال ظهور به شدت استقبال می‌کند. در این مقاله

گرچه نقش چین را برجسته می‌سازد، ولی صحبتی از سازمان هم‌کاری شانگهای در مورد فرصت‌های امنیتی با طالبان اشاره‌ی نشده است.

یافته‌های تحقیقات، بیش‌تر دربرگیرنده وضعیتی است که دولت جمهوری اسلامی افغانستان پابرجا بود و بعد از فروپاشی بدون شک نگرش‌ها، عمل‌کردها و اقدامات هم با تناسب موقعیت و توانایی واحدهای سیاسی منطقه بازتعریف می‌شود و این تحقیق تلاش می‌کند تا با بازشناسی مفاهیم جدید بر واژه‌گان قدیمی، رابطه تبیینی و علی را بر متغیرها جست‌وجو نماید.

با استناد به آنچه نگاشته شده، هدف مقاله کنونی بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌بی حکومت کنونی است؛ زیرا امارت اسلامی، با نگاه خاص به حکومت‌داری، توانسته است که حاکمیت خود را به‌صورت عینی بر قلمرو افغانستان تعمیم بخشد؛ ولی فقدان مشروعیت بین‌المللی، چالش‌های سیاسی و اقتصادی را هم به همراه داشته است. برای افغانستان هم‌سویی و تعامل منطقه‌بی می‌تواند فرصت بدیل یا «گزینه دوم» برای مشروعیت باشد؛ در عین حال از نیمه دوم قرن بیستم، جهان در حال تجربه کردن منطقه‌گرایی در تقابل با جهانی‌شدن است و این‌که دولت‌ها تلاش می‌کنند تا از وابستگی تک‌سیستمی که بعد از جنگ سرد پدیدار گردید، مستقل‌تر عمل کنند (گودرز، ۱۳۹۳: ۳۳۵)، سازمان‌های منطقه‌بی به‌عنوان ابزارهایی برای تحقق هم‌گرایی منطقه‌بی بین کشورها با کارکردهای اقتصادی، سیاسی و نظامی ایجاد شده و به‌سرعت در مناطق جغرافیایی مختلف گسترش یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی را می‌توان آسیای مرکزی و سازمان هم‌کای شانگهای را به‌عنوان برجسته‌ترین سازمان منطقه‌بی دانست.

پرسش اصلی این است که سازمان هم‌کاری شانگهای چه نقشی بر هم‌گرایی منطقه‌بی حکومت امارت اسلامی دارد؟ فرضیه این است که سازمان هم‌کاری شانگهای سیاست‌های ضد داعشی حکومت امارت اسلامی را به‌عنوان فرصتی برای هم‌گرایی امنیتی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها می‌داند. در این تحقیق از روش تبیینی - تحلیلی استفاده شده است داده‌ها از ابزار کتاب‌خانه‌یی، مانند مجله‌های معتبر و نشریات معتبر جمع‌آوری شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که سازمان هم‌کاری شانگهای در امر مبارزه با داعش و قاچاق مواد مخدر با حکومت کنونی هم‌سویی داشته و چنین روی‌کردی باعث شده تا امارت اسلامی فرصت هم‌گرایی با محوریت سیاسی (مشروعیت منطقه‌بی)، اقتصادی (استفاده از سازوکارهای اقتصادی کشورهای عضو) و امنیتی (مبارزه با هراس‌افگنی) را به‌منظور تعامل معنادار به‌دست آورد.

۲. چهار چوب نظری

چهارچوب نظری این تحقیق به‌صورت تلفیقی برگرفته شده از مفهوم منطقه‌گرایی نوین (نسل سوم) و مجموعه امنیتی (باری بوزان) بهره گرفته شده است.

اصولاً روابط بین‌الملل، علمی نوین در عرصه مطالعات انسانی محسوب می‌شود و یکی از حوزه‌های نوین این علم، مطالعات منطقه‌یی به‌عنوان شاخه‌یی از روابط بین‌الملل و مفهوم منطقه به‌عنوان موضوع اصلی است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۳). غالباً منطقه‌گرایی را مجموعه‌یی از کشورهایی که در یک فضای جغرافیایی موقعیت دارند تعریف کرده‌اند. منظور از منطقه‌گرایی هم پدیده عمومی منطقه‌گرایی است و هم ایدئولوژی منطقه‌گرایی؛ یعنی اشتیاق برقرار نظمی منطقه‌گرایانه در یک پهنه جغرافیایی خاص یا به‌عنوان نوعی نظم جهانی است (هتته و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۲۱)؛ بنابر یک تعریف کلی و رایج، منطقه به مجموعه‌یی از کشورها اشاره دارد، که با جغرافیا و یک ویژه‌گی مشترک یا بیش‌تر _ سطح توسعه، فرهنگ، نهادهای سیاسی_ با هم پیوند دارند. بُعد جغرافیایی منطقه‌گرایی تداعی‌کننده مفهوم کلاسیک منطقه‌یی است که بر حسب عوامل جغرافیایی سرزمینی و طبیعی تعریف می‌شود. به‌طور کلی، نظریات نظام‌های منطقه‌یی، مناطق را به‌صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی در نظر می‌گیرند. رهیافت سازه‌نگاری هم مناطق را چونان موجودات اجتماعی خلق شده می‌داند؛ زیرا کشورها تصور می‌کنند که در یک منطقه مشترک هم‌زیستی داشته و دارای آینده مشترکی هستند (ای.لیک و ام. مورگان، ۱۳۹۵: ۲۸).

منطقه‌گرایی نو را می‌توان با برجسته‌سازی برخی از تفاوت‌ها با منطقه‌گرایی قدیمی همانند، روندهای کنونی تشکیل منطقه نسبت به گذشته از پایین به بالا و درونی پا می‌گیرد، نه تنها الزامات اقتصادی بل که مقتضیات بوم‌شناختی و مسائل امنیتی هم کشورها و جوامع را به طرف هم‌گرایی و هم‌کاری در چهارچوب منطقه‌گرایانه سوق می‌دهد؛ بر علاوه منطقه‌گرایی نو در نظام چندقطبی به‌وجود آمده است؛ درحالی که منطقه‌گرایی قدیم بیش‌تر متأثر از شرایط دوقطبی بود (هتته و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۱۸). هم‌چنین منطقه‌گرایی نوین در چهار بُعد کارگذاری و نقش کارگذاران (نقش‌آفرینی طیف وسیعی از بازیگران دولتی، فردی و اجتماعی در درون و بیرون منطقه)، انگیزه و هدف (هم‌گرایی چندبعدی و چندوجهی شامل موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود)، جهت و خط سیر (از بالا و به‌وسیله ابرقدرت‌ها تحمیل نمی‌شود و جبرگرایی ساختاری پی‌روی نمی‌کند، بیش‌تر خودجوش و مبتنی بر نیازمندی و کنش‌های انسانی شکل می‌گیرد)، گستره و قلمرو (فراتر از منطقه‌گرایی اروپایی و تبدیل‌شدن به یک پدیده عمومی و جهان‌شمول) از منطقه‌گرایی قدیم متفاوت و متمایز است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

منطقه‌گرایی نسل سوم، دارای سه ویژه‌گی عمده است: الف. همانند منطقه‌گرایی نسل دوم، مستقل است؛ بدین‌معنا که در فضای جنگ سرد پدیدار نگردیده است؛ ب. باز است؛ هم از نظر پذیرش اعضا و هم از تعدد موضوعاتی چون اقتصادی، سیاسی و امنیتی، که می‌تواند در دستور کار واقع شود؛ ج. وسیع‌القاعده است؛ یعنی محدود به جغرافیای خاصی نیست و کشورها می‌توانند

براساس ضرورت موضوعی عضویت آن را بگیرند (خلیلی و زارعی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). از دیدگاه نوکارکردگرایی شکل‌گیری مناطق مستلزم سه مرحله است: مرحله خیزش، مرحله سرایت و مرحله پایانی.

پدیدارشدن مرحله خیزش مستلزم به‌وجود آمدن مجموعه‌یی از علت‌ها و شرایط تسهیل‌کننده است. براساس روی‌کرد نوکارکردگرایی، عمده‌ترین علت شکل‌گیری مرحله خیزش پیدایش نیازهای اقتصادی و اجتماعی است؛ مرحله سرایت، تداوم‌یافته مرحله اول است؛ به شرطی که هم‌کاری‌های مرحله خیزش مثبت و مؤثر واقع شود. سرانجام در مرحله پایانی، هم‌گرایی نسج گرفته و هستی می‌یابد. از دیدگاه کارل دویچ مناطق مذکور می‌تواند به دو حالت جامعه امنیتی تکثرگرا و مناطق امنیتی ادغام‌شده به‌وجود آید و به حیات خود ادامه دهد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۵۷). مناطقی که ماهیت اولیه آن‌ها امنیتی تبیین می‌گردد، باتوجه به رویکرد مرحله دوم (تسری) ممکن است، زمینه هم‌گرایی در امور سیاسی و اقتصادی را بین اعضای منطقه به‌وجود آورد.

شاید بتوان امنیت را علت بنیادی در تعامل دولت‌ها دانست، علت بنیادی علتی است که کم‌تر قابل دست‌کاری باشد (والترز، ۱۳۹۸: ۵۲). با ابتناء به نظریات مطرح‌شده، مجموعه امنیتی یکی از مهم‌ترین و تازه‌ترین نظریاتی است که در باب منطقه‌گرایی نوین و مسائل امنیتی ابراز شده است. مجموعه امنیتی، یعنی گروهی از دولت‌ها که علایق امنیتی آن‌ها به قدری زیاد است که امنیت ملی یکی را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۶)؛ همانند روسیه و آسیای مرکزی. مجموعه امنیتی در مباحث منطقه‌یی درواقع انعکاس‌دهنده مشکلات و مسائل امنیتی مشترکی است که دولت‌ها را هم‌بسته و یک‌پارچه ساخته است.

۳. شکل‌گیری و گسترش سازمان هم‌کاری شانگهای (SCO)

سازمان هم‌کاری شانگهای باتوجه به تغییرات در ساختار نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد و ضرورت‌های هم‌کاری در امور اقتصادی، سیاسی و امنیتی میان روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی بافت گرفت و باگذشت زمان خود را به‌عنوان یکی از سازمان‌های منطقه‌یی تأثیرگذار و مؤثر در پویای بین‌المللی مطرح ساخت. این سازمان معمولاً مصداق و نموداری از پویایی منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی است (Jargalsaikhan, 2012: 1). هم‌واره این نگرانی وجود داشت که بعد از شکست شوروی در این منطقه، نزاع و بی‌ثباتی جدی اتفاق خواهد افتاد؛ به‌گونه‌یی که برژینسکی معتقد بود که از نظر ژئوپلیتیکی، این بی‌ثباتی احتمالاً به دلیل تشدید نزاع‌های منطقه‌یی اوراسیا که ناشی از سقوط اتحاد شوروی سابق است، بروز خواهد کرد (برژینسکی، ۱۳۹۴: ۱۳). برجسته‌گی سازمان در این است که امریکا و غرب در آن حضور ندارند و یا دست‌کم خارج از حوزه نظارت آنان

است و در واقع می‌توان آن را حوزه خارج از مدیریت نظم نوین مورد نظر غرب دانست (خلیلی و زارعی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). سرآغاز بافت‌گیری این سازمان به سال ۱۹۹۶ بر می‌گردد، زمانی که کشوریایی چون چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به منظور حل و فصل اختلافات مرزی مجمع شانگهای پنج را پایه‌گذاری کردند (رئیس‌نژاد و برنجی، ۱۴۰۱: ۱۱۰). هدف اولیه اعتمادسازی در امور مرزی بود، مبنی بر این که از حمله و درگیری در مرزهای یک‌دیگر خودداری کرده و از برگزاری مانورهای نظامی که به‌عنوان تهدید امنیتی بر علیه یک‌دیگر قلم‌داد شود، امتناع نمایند از عملیات نظامی که تا عمق ۱۰۰ کیلومتری مرزهای مشترک صورت می‌گیرند، قبل از قبل اطلاع‌رسانی نمایند و هم‌کاری‌های نظامی مستقر در دو سوی مرز تقویت گردد. در سال ۲۰۰۱م. ازبکستان عضویت این سازمان را به دست آورد و مجمع شانگهای پنج به‌عنوان سازمان هم‌کاری شانگهای ارتقا یافت که در جست‌وجوی اهداف زیر بود:

۱. تقویت هم‌کاری با محورهای امور سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی؛
۲. ضدیت با فعالیت‌های غیرقانونی، مبارزه مشترک با تروریسم و بر ضد جدایی‌طلبی و مهاجرت‌های غیرقانونی؛
۳. احترام به اصل حاکمیت مشتمل بر دفاع از اصل حاکمیت براساس منشور ملل متحد؛
۴. احترام به قرارداد موشک ضد بالستیک؛
۵. امنیت منطقه‌یی (موسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۲۵).

در سال ۲۰۰۴م. شش کشور عضو، یک دبیرخانه دایمی در چین و یک مرکز ضدتروریسم در تاشکند بنیان نهادند. در همین سال مغولستان و سال بعد (۲۰۰۵م) کشورهای ایران، هند و پاکستان به‌عنوان اعضای ناظر (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۶۶) و در سال ۲۰۱۲م. افغانستان نیز به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته شدند؛ کشورهای ترکیه، نپال، کامبوج و سریلانکا به‌عنوان شرکای گفت‌وگو یا متقاضیان عضویت هستند (کوشکی و حسنی، ۱۳۹۶: ۷۳۹)؛ گرچه پاکستان و هند در سال ۲۰۱۷م به‌عنوان عضو دایمی سازمان (رئیس‌نژاد و برنجی، ۱۴۰۱: ۱۱۰) و ایران در سال ۲۰۲۱م. به‌عنوان عضو دایم پذیرفته شدند، ولی هیچ کشور غربی عضویت این سازمان را ندارد، که نشان‌دهنده متمایز بودن آن را با سایر سازمان‌های منطقه‌یی نشان می‌دهد.

اشاره شد که منطقه‌گرایی نوعی از هم‌گرایی منطقه‌یی بین کشورهاست، که دولت‌ها در چهارچوب آن به‌منظور توسعه و گسترش هم‌کاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی اقدام می‌کنند و نمونه برجسته آن سازمان‌های منطقه‌یی است (گودرزی، ۱۳۹۳: ۳۴۲)، سازمان‌های منطقه‌یی در کل و منطقه‌گرایی به‌صورت خاص، به‌عنوان ساخته و بساخته فرایند حاصل از تغییرات جهانی در نظر گرفته می‌شوند (فارل، هتنه و هووه، ۱۳۹۴: ۳۶) بر همین مبنا، سازمان هم‌کاری شانگهای باتوجه به

تحوالاتی که در منطقه‌گرایی نسل سوم وجود دارد، نه تنها از لحاظ ماهیت، بل که اهداف هم در حال دگرگون شدن است.

سازمان‌های منطقه‌بی برای رسیدن به اهداف و مرام‌های خود در صدد پیشینه‌سازی، حفظ امنیت هستند. در سال ۲۰۰۵م. در ششمین نشست سران این سازمان اسناد بسیار مهمی به امضا رسید؛ یکی از مهم‌ترین اسناد امضا شده، توافق‌نامه مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی، قاچاق مواد مخدر و سلاح بود (خلیلی و زارعی، ۱۳۹۲: ۱۲۹). در این دوره، موضوعات امنیتی مخصوصاً تروریسم از مباحث اصلی سازمان را تشکیل می‌داد.

اگر ابعاد گوناگون امنیت را مورد توجه قرار دهیم، می‌توان درک کرد که سازمان هم‌کاری شانگهای یک سازمان امنیتی است؛ زیرا این سازمان امنیت را در اولویت‌های فعالیت‌های خود برای منطقه آسیای مرکزی در نظر دارد. جمهوری‌های آسیای مرکزی با طیفی از تهدیدات امنیتی روبه‌روست (گودرزی، ۱۳۹۳: ۳۴۲)، بر همین اساس سازمان هم‌کاری شانگهای، بر کار جمعی علیه سه محور تروریسم، گروه‌های جدایی‌طلب و افراطی‌گرایی به‌وجود آمد (کوشکی و حسنی، ۱۳۹۶: ۷۳۹). بازیگران اصلی این سازمان، به این امر واقف هستند که تهدیدات منطقه می‌تواند منافع آن‌ها را در درازمدت به خطر بیندازد، مخصوصاً برای روسیه و چین. روسیه کشورهای آسیای مرکزی را به‌عنوان حیات امنیتی خود قلم‌داد می‌کند و چین از گروه‌های ایدئولوژیکی که در این منطقه فعال هستند، هراس دارد.

سازمان هم‌کاری شانگهای از زمان تأسیس (۱۳۹۶) الی اکنون (۲۰۲۴)، با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه بوده است؛ پس از سقوط شوروی و «خلاً ژئوپلیتیک» در آسیای مرکزی، عمده‌ترین چالش برای کشورهای منطقه پُر کردن چنین شکافی بود و با درایت بازیگران منطقه، اجازه داده نشد که هژمون جهانی در این منطقه همانند سایر مناطق به‌صورت کامل و مطلق توانایی اعمال قدرت خود را پیدا کنند؛ گرچه حضور امریکا در سال ۲۰۰۱ نگرانی برخی از کشورهای منطقه را بیش‌تر کرد، ولی با خروج این نیروها در سال ۲۰۲۱ مجدداً سازمان، تداوم و کارایی خود را نشان داد. به باور برژینسکی، امریکا نمی‌تواند ژاندارم جهانی باشد؛ زیرا موعظه‌گری و ژاندارمی جهان مستلزم مشروعیت است (برژینسکی، ۱۳۹۴: ۱۶۷)؛ به تعبیری قدرت جهانی امریکا به معنای اقتدار جهانی آن نیست. احیای مجدد حاکمیت طالبان، نقش و مسؤولیت سازمان هم‌کاری شانگهای را در نبودن امریکا بیش‌تر کرده است؛ زیرا این سازمان به‌عنوان یک نهاد منطقه‌بی مجبور است تا «خلاً» را به نحوی پُر کند که امنیت منطقه تأمین گردد.

۴. فرصت‌ها و مشترکات

با روی کار آمدن مجدد حکومت امارت اسلامی و موقعیت خاص جغرافیایی افغانستان، زمینه سازوکارهای امنیتی مشترکی بین این کشور با سازمان هم‌کاری شانگهای به وجود می‌آید، که هم برای سازمان و هم برای افغانستان به عنوان پیوند هم‌گرایی امنیتی می‌تواند قلم‌داد شود و این امر ممکن است باعث تسری هم‌کاری‌های بعد در سایر حوزه‌ها گردد. براساس رویکرد مجموعه امنیتی باری بوزان، یک مجموعه امنیتی شامل گروهی از کشورهاست که دغدغه اصلی و اساسی آن‌ها در زمینه امنیت است (به نقل از: آدمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۴)، به گونه‌ای که امنیت یکی بدون دیگری تحقق نمی‌یابد. کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای به دلایل گوناگونی کنار هم گرد آمده‌اند و همه آن‌ها در واقع در جست‌وجوی فرصت و منافع بیش‌تری است. هم‌کاری‌های سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و امنیتی سازمان را می‌توان به منزله فرصت‌هایی دانست (خلیلی و زارعی، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

۴-۱. مبارزه با داعش

داعش را شاید بتوان یکی از پدیده‌های نادر در قرن کنونی دانست. ریشه‌های شکل‌گیری داعش به دوره پس از حمله آمریکا به عراق باز می‌گردد (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۵۰). با توجه به بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه و حضور نظامی آمریکا در این جغرافیا، احساس تردید و بدگمانی نسبت به نقش این کشور بیش‌تر در بین جریان‌های اجتماعی پدیدار گردید.

حضور داعش در آسیای مرکزی هشدار امنیتی برای کشورهای منطقه‌ی است (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۱)؛ زیرا این گروه با طرح «ولایت خراسان»، که دربرگیرنده کشورهای آسیایی هم می‌شود، در واقع تهدید بسیار جدی مخصوصاً برای ایران، روسیه و چین است. آسیای مرکزی از لحاظ قومی گوناگون، ولی بخش بزرگی از جمعیت آنان، مسلمان هستند. مسلمانان آسیای مرکزی هم‌واره با اقتدار شورهای چون روسیه در آسیای مرکزی و مسلمانان سینکیانگ با اقتدار حزب حاکم مخالف بوده‌اند. با فروپاشی نظام شوروی، مسلمانان احساس کردند که می‌توانند زمینه احیای مجدد اسلام سیاسی را در چهارچوب دولت پیاده کنند؛ ولی نیروهای حاکم، اجازه چنین عملی را ندادند. احیای اسلام در زمان پرسترویکای گورباچف آغاز و بعد از فروپاشی شوروی شدت بیش‌تری یافت و هر یک از سازمان‌های مسلمان با دنیای اسلام ارتباط بیش‌تری برقرار کردند (آدمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۹)؛ گرچه دولت‌های آسیای مرکزی با بهره‌گیری از اسلام رسمی در صدد کنترل اقدامات گروه‌های اسلامی بوده، ولی هم‌واره در چنین ساختاری یک نوع اسلام موازی که در حقیقت برگرفته شده از رویکرد انتقادی است هم در این کشورها وجود دارد.

[بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌بی امارت ا.ا.]

البته پدیدارشدن داعش در منطقه آسیای مرکزی ممکن است به‌صورت تصادفی نباشد و لازم است که نقش امریکا برای استفاده از این کارت بر علیه امنیت چین، ایران و مخصوصاً حیاط‌خلوت روسیه را هم در نظر بگیریم. داعش چه مهره باشد و چه پدیده، برای بسیاری از کشورها چالش است. در سال ۲۰۱۵م. گروه بین‌المللی بحران گزارش داد که بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر از مردم آسیای مرکزی در کنار داعش می‌جنگند. برخی از تحلیل‌گران این تعداد را تا ۱۲ هزار نفر تخمین زده‌اند، که عمده آنان از ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان هستند (اخوان کاظمی و هم‌کاران، ۱۳۹۷: ۱۲). بدون شک بازگشت آنان از جنگ سوریه به منطقه آسیای مرکزی باعث وخیم‌ترشدن مشکلات امنیتی برای این دولت و حامیان‌شان شده است.

باتوجه به آن‌چه گفته شد، دیده می‌شود که داعش یک تهدید مشترک برای تمام کشورهای منطقه و اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای است، مخصوصاً روسیه. حساسیت مسکو در مورد توسعه تروریسم در آسیای مرکزی به دلیل اقدامات عملیاتی روسیه علیه این گروه‌ها در سوریه بر می‌گردد و از این نگران هست که آن‌ها عملیات و اقدامات تلافی‌جویانه‌یی را بر علیه منافع و امنیت روسیه در مناطق مختلف انجام ندهند (سیمبر و پادروند، ۱۳۹۷: ۶۵). بدون تردید هیچ‌یک از کشورهای منطقه، نسبت به موجودیت و فعالیت داعش خرسند نیستند. در حقیقت اولین گام و فرصتی که برای حکومت امارت اسلامی به‌وجود آمده، این است که از این پیوند مشترک بتواند به نفع منافع ملی، اقتصادی و امنیتی خود بهره‌برد. در جدول زیر میزان حملات داعش از زمان به قدرت‌رسیدن حکومت امارت اسلامی را نشان می‌دهد و این که حملات آن‌ها تا سال ۲۰۲۳ کاهش چشم‌گیری داشته است.

جدول (۱): میزان حملات داعش از سال ۲۰۲۱ - ۲۰۲۳ در افغانستان

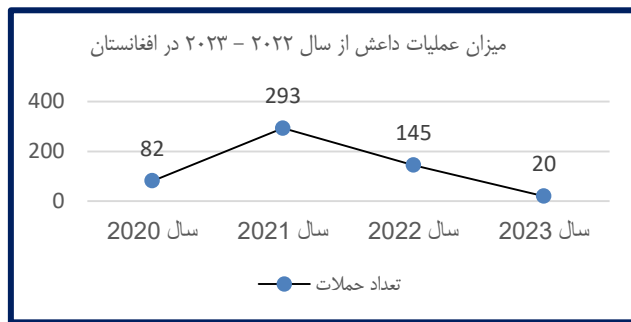
سال	تعداد حملات
۲۰۲۳	۲۰
۲۰۲۲	۱۴۵
۲۰۲۱	۲۹۳

منبع: خبرگزاری بی بی سی، ۱۰ دی/جادی ۱۴۰۲، قابل دریافت از:

<https://www.bbc.com/persian/articles/cy7mz0r808o>

طالبان با کسب قدرت سیاسی در سال ۲۰۲۱م. به‌صورت صریح مخالفت خود را با فعالیت‌های داعش در قلمرو افغانستان اعلام کرده و نسبت به این گروه هیچ مسامحه‌یی نداشته و آن‌ها را «خوارج» می‌نامند؛ گرچه یکی از عمدترین چالش امنیتی برای طالبان شاخه خراسان داعش است، که هم‌واره حملات پرتلفاتی را انجام می‌دهند؛ ولی حکومت امارت اسلامی توانسته است از میزان حملات این گروه بکاهد و با توجه به آماری که خبرگزاری‌های معتبر نشر می‌کند، دیده می‌شود که کاهش فعالیت‌های داعش به معنای کم‌رنگ‌ترشدن، فعالیت‌های آنان در افغانستان است.

برعلاوه، براساس آمار و گزارش‌های خبرگزاری‌ها، داعش در سال ۲۰۲۰م. هم‌زمان با انتقال قدرت در افغانستان به‌صورت مسلحانه حدود ۸۲ حمله، (خبرگزاری جمهوری، ۹ دلو ۱۴۰۰) در سال ۲۰۲۱م. هم‌زمان با به قدرت رسیدن امارت اسلامی ۲۹۳ حمله، در سال ۲۰۲۲م. با حاکمیت کامل امارت اسلامی ۱۴۵ حمله و در سال ۲۰۲۳م. هم‌زمان با نشست پنجم فرمت مسکو ۲۰ حمله را انجام داده‌اند و آن‌چه در نمودار زیر نشان داده می‌شود، این است که میزان عملیات داعش به‌شدت کاهش یافته و نشان‌دهنده آن است که حکومت کنونی در مبارزه با داعش جدی و مصمم است.



نمودار (۱): میزان عملیات داعش از سال ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۳ در افغانستان

موجودیت داعش در افغانستان چه به‌صورت پراکنده یا منسجم، هنوز به‌عنوان یک تهدید بالقوه – بالفعل است. به دلیل موقعیت خاص و استراتژی‌یک جغرافیایی افغانستان، تحولات درونی هم‌واره بر اقدامات و رویه‌های کشورهای هم‌جوار و منطقه تأثیر گذاشته است. با در نظر داشت این موضوع، می‌توان گفت افغانستان نقش مهمی در برپایی امنیت در کشورهای آسیای مرکزی داشته و ناامنی در آن، اسباب دل‌نگرانی اعضای سازمان همکاری شانگهای را فراهم می‌آورد (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۶۹). افغانستان از چندین دهه به این سو هم‌واره از عدم موجودیت دولت مقتدر و با ثبات در رنج بوده و این بی‌ثباتی باعث شده که گروه‌های فرصت‌طلب گوناگونی فضای حیاتی برای خود بسازند.

سیاست ضد‌داعشی، امارت اسلامی یک قدم به‌سوی هم‌گرایی با کشورهای منطقه‌یی است. در پنجمین نشست منطقه‌یی در مورد افغانستان موسوم به «فرمت مسکو» که در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳م. در شهر قازان/ کازان روسیه برگزار گردیده بود، کشورهای منطقه از حکومت امارت اسلامی به‌خاطر مبارزه جدی با داعش قدردانی کردند و این اولین بار است که کشورهای منطقه از کارنامه آن‌ها در برابر داعش قدردانی می‌کنند (خبرگزاری بی بی سی، ۸ میزان ۱۴۰۲)، فرمت مسکو در سال ۲۰۱۷م. با ابتکار روسیه به‌عنوان یک میکانیزم رسیده‌گی به مشکلات افغانستان پس‌اخراج نیروهای امریکایی

از افغانستان، با حضور کشورهای روسیه، چین، هند، پاکستان و افغانستان شکل گرفت، که بعداً کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان به آن ملحق گردید. ظاهراً دیده می‌شود که اعضای کلیدی سازمان هم‌کاری شانگهای، در این فرمت حضور فعال دارند. مبارزه با دعش نه‌تنها برای افغانستان، بل که برای هر کشور دیگری که قصد دارد به‌صورت انفرادی مبارزه کند دشوار است. سیاست سازش‌ناپذیری که حکومت امارت اسلامی در برابر داعش روی دست گرفته است، هم‌خوانی با چهارچوب سیاست ضد تروریستی سازمان شانگهای دارد (Li, 2019: 312)، که می‌توان تعامل امنیتی مناسبی را با سازمان هم‌کاری شانگهای به‌منظور ایجاد منطقه امن بر علیه داعش به‌وجود آورد.

۴-۲. جلوگیری از قاچاق مواد مخدر

قاچاق مواد مخدر را می‌توان دومین گام برای تعامل امنیتی، امارت اسلامی افغانستان و سازمان هم‌کاری شانگهای دانست. این موضوع هم‌واره چالشی بوده که کشورهای منطقه مخصوصاً روسیه و ایران بارها ابراز داشته‌اند، با حاکمیت مجدد امارت اسلامی، این موضوع می‌تواند کانون توجه و گام مؤثر باشد.

در افغانستان به دلیل عدم موجودیت حکومت‌های متمرکز و باثبات، بستر مناسبی برای تولید و توزیع مواد مخدر بوده است. کشورهای آسیای مرکزی، خصوصاً روسیه، نسبت به مسأله مواد مخدر حساس هستند، گرچه روسیه برای مبارزه با این پدیده درصدد کمک‌های امنیتی به این کشورهاست (سیمبر و پادروند، ۱۳۹۷: ۷۷)؛ زیرا در دو دهه گذشته مسأله مواد مخدر به تهدیدی علیه امنیت انسانی و ملی مخصوصاً برای روسیه تبدیل شده است. افغانستان سالانه با تولید ۵۵۰۰ تن از ۶۸۸۳ تن تریاک تولیدشده در جهان هشتاد درصد تولید جهانی است، به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده این ماده شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۲م، ارزش تریاک تولیدی در افغانستان ۷۱۷ میلیارد دالر بوده است (کریمی و جهانبخش، ۱۳۹۴: ۵۱). چنین درآمدهای میلیاردی از قاچاق مواد مخدر نه تنها باعث تشدید مسائل امنیتی می‌گردد، بل که امنیت اجتماعی منطقه را هم آسیب می‌زند.

قابل انکار نیست که قاچاق مواد مخدر یکی از کالاهای پُرطرف‌دار و سودمند است؛ مخصوصاً برای کشورهایی که منابع عایداتی گوناگون و صنعتی در اختیار خود ندارند تا چرخه اقتصادی‌شان به صورت درست بچرخد. بی‌ثباتی سیاسی و عدم رشد اقتصادی، مخصوصاً در دو دهه اخیر قرن بیستم در افغانستان، که با جنگ‌های ویران‌گر مصادف بود، نیروهای متعددی از ره‌گذر مواد مخدر توانستند به جنگ بپردازند؛ در دهه ۱۹۸۰م. برخی از فرمانده‌های جهادی که بر ضد نیروهای شوروی و حکومت چپ‌گرای کابل می‌جنگیدند، از کشت و قاچاق کوکنار بهره مالی می‌بردند (سینائی و ارشاد

خطیبی، ۱۴۰۲: ۲۳۲) و این امر در واقع در مراحل بعدی و با حاکمیت امارت اسلامی بین سال‌های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱م. به خاطر ممنوعیت آن به شدت کاهش یافت.

حکومت امارت اسلامی به پی‌روی از دوره اول خود نسبت به تولید، زرع و قاچاق مواد مخدر نگاه بدبینانه‌یی دارد و بر اساس حکم مقام ره‌بری مولوی هبت الله آخندزاده در اپریل ۲۰۲۲ کشت کوکنار و تولید مواد مخدر را در سراسر کشور ممنوع اعلام کرد (خبرگزاری طلوع نیوز، ۲۲ قوس ۱۴۰۲) و با افرادی که از این حکم سرپیچی کنند برخورد می‌شود. این ممنوعیت با توجه به گزارشاتی که از طرف نهادهای معتبر بین‌المللی به نشر می‌رسد، نتایج مثبتی را داشته است. به‌گونه‌یی که کشت خشخاش در افغانستان از زمانی که فرمان ممنوعیت صادر گردیده ۹۵٪ کاهش یافته است (خبرگزاری یورونیوز، ۵ نوامبر ۲۰۲۳). هم‌گرایی منطقه‌یی با طالبان در ارتباط به مبارزه با مواد مخدر نیازمند هم‌کاری‌های بیش‌تری است و باید طرح‌های بدیلی برای آن سنجیده شود. کشورهای عضو هم‌کاری شانگهای می‌توانند با ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند، با حکومت طالبان کمک‌های مؤثری داشته باشند.

۵. سازوکارهای سیاسی سازمان هم‌کاری شانگهای و حکومت طالبان

از لحاظ سیاسی عمده‌ترین مسأله فراروی حکومت امارت اسلامی، به رسمیت شناخته‌نشدن در سطح بین‌الملل به‌عنوان یک واحد سیاسی است. از سال ۲۰۲۱م. به این سو، امارت اسلامی تلاش کرده که با اتخاذ سیاست خارجی اقتصادمحور، زمینه به رسمیت شناخته‌شدن خود را فراهم سازد، ولی هم‌واره از طرف کشورهای قدرت‌مند جهانی، مخصوصاً امریکا، این درخواست منوط به شرایطی گذاشته شده، که امارت اسلامی آن را به‌عنوان مسأله داخلی خود می‌داند. سازمان هم‌کاری شانگهای به‌عنوان یکی از سازمان‌های قدرت‌مند منطقه‌یی برای امریکا به‌عنوان رقیب در کوتاه‌مدت و تهدید در بلندمدت شمرده می‌شود (امینی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)؛ حکومت امارت اسلامی می‌تواند از این رقابت در امور سیاسی بهره‌مند شود؛ زیرا یک‌جانبه‌گرایی امریکا در نتیجه تحولات اخیر (جنگ اوکراین، مناقشه اسرائیل - فلسطین و تنش‌های چین - تایوان) به چالش کشیده شده و مضافاً این‌که امریکا در سازمان هم‌کاری شانگهای عضویت ندارد.

تشکیل حکومت فراگیر اساسی‌ترین بُن‌بست سیاسی برای تعامل با جهان و منطقه است؛ ولی تا اکنون معنا و مفهوم حکومت فراگیر گنگ و مبهم است. بیش‌تر بازیگرانی که در مسائل افغانستان دخیل هستند، چه شرقی و چه غربی، حکومت همه‌شمول را ابزار سیاسی برای به چالش کشانیدن مشروعیت امارت اسلامی می‌دانند. حتا سازمان هم‌کاری شانگهای در بیست‌وسومین نشست مجازی خود که در سمرقند برگزار گردیده بود، تشکیل دولت فراگیر را برای افغانستان ضروری دانستند

(خبرگزاری دوپچه وله، ۱۴ سرطان ۱۴۰۲)؛ گرچه امارت اسلامی بارها ادعا کرده که حکومت آن‌ها همه‌شمول است، ولی فقدان معنای دقیق از همه‌شمول بودن زمینه‌تفسیرهای گوناگون و گاهی سیاسی را به‌وجود آورده است. بدین ترتیب نگاه به مفهوم حکومت همه‌شمول به‌صورت علمی معانی گوناگونی را در بر می‌گیرد، ولی حکومت امارت اسلامی، با استناد به این‌که افغانستان یک کشور واحد و در آن اقوام گوناگونی در سطوح مختلف حضور دارند، می‌تواند مصداقی از همه‌شمول بودن باشد.

قابل انکار نیست که بیش‌تر کشورهای منطقه، حکومت امارت اسلامی را عملاً به رسمیت شناخته است؛ گرچه در سیاست‌های اعلامی خود به‌گونه دیگری سخن می‌گویند، ولی تعاملات دیپلماتیک و نشست‌های منطقه‌یی چون فرمت مسکو و کمیته تماس منطقه‌یی در راستای هم‌کاری سیاسی با حکومت امارت اسلامی مصداق عینی برای هم‌سویی از لحاظ سیاسی است. واکنش و عدم اشتراک طالبان در نشست دوحه، که با میزبانی سازمان ملل در مورد افغانستان در تاریخ ۱۷ و ۱۸ فبروی سال ۲۰۲۴ برگزار گردیده بود، نشان‌دهنده این است که حکومت کنونی در راستای منطقه‌گرایی و هم‌سویی با بازیگران منطقه‌یی بیش‌تر تمایل دارد تا پذیرش تمام شروط کشورهای غربی. چنین موضوعاتی در سازوبرگ‌های هم‌کاری سیاسی ممکن است تأثیرات مثبتی در راستای مشروعیت‌زایی برای حکومت امارت اسلامی در منطقه به جای امریکا و متحدانش داشته باشد.

۶. سازوکارهای اقتصادی سازمان هم‌کاری شانگهای و امارت اسلامی

افغانستان به‌خاطر داشتن منابع طبیعی یکی از ثروت‌مندترین کشورهای منطقه است (and Momeni, 2020: 553). به‌خاطر فقدان حکومت‌های باثبات و دانش نوین نتوانسته از آن‌ها در راستای توسعه خود استفاده کند. هم‌سویی حکومت امارت اسلامی با سازمان هم‌کاری شانگهای فرصت خوبی برای بهبود اقتصاد افغانستان است؛ زیرا اقتصادهای توان‌مند برخی از کشورهای عضو، می‌توانند در بازسازی افغانستان نقش ویژه‌یی بازی کنند (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۷۱). از آن‌جایی که افغانستان به دریا راه ندارد، موقعیت ویژه جغرافیایی آن با وجود محاط‌بودن به خشکی، این کشور را نقطه اتصال گذرگاه‌های اقتصادی در آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، خاورمیانه و شرق آسیا مبدل کرده (صانعی، ترابی و رضایی، ۱۴۰۱: ۹۸)؛ چنین ویژه‌گی‌یی افغانستان را می‌تواند از لحاظ اقتصادی به سازمان هم‌کاری شانگهای نزدیک‌تر کند.

حکومت امارت اسلامی باتوجه به سیاست اقتصادمحور، به‌شدت نیاز به هم‌کاری‌های اقتصادی کشورهای منطقه دارد. اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای می‌توانند از تجربیات اقتصادی و دانش فناوری‌یی که در عرصه اقتصاد کشاورزی دارند، به حکومت کنونی برای سرپا ایستاده‌شدنش کمک

کند؛ زیرا توسعه اقتصادی یکی از اولویت‌های پایدار سازمان است (Akiner, 2010: 14). افغانستان در کنار نیازمندی به دانش به بازارهای منطقه‌یی و جهانی هم نیاز دارد و این سازمان با دراختیارداشتن نهادهای اقتصادی در مرحله اول می‌تواند بازارهای مشترک خود را در اختیار افغانستان قرار دهد. از آنجایی که سازمان هم‌کاری شانگهای تولیدکننده‌گان و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی در جهان را گرد هم آورده است (محب‌پور، شفیی و ببری گنبد، ۱۴۰۲: ۳۵۱). سازوکارهایی چون «باش‌گاه انرژی سازمان هم‌کاری شانگهای» که فعالیتش را در سال ۲۰۱۳م. به هدف هم‌کاری‌های انرژی میان دولت‌ها، پیش‌نهاد طرح‌های جدید و حل مشکلات در حمل و نقل، تولید و مصرف انرژی (نفت و گاز) آغاز کرد و «شورای تجاری سازمان هم‌کاری شانگهای» که به‌منظور گسترش هم‌کاری اقتصادی، برقراری روابط مستقیم و گفت‌وگو در میان جوامع تجاری و مالی، حمل و نقل، مخابرات، وام‌دهی و امور بانکی، مراقبت‌های بهداشتی و کشاورزی فعالیت می‌کند (رئیس‌نژاد و برنجی، ۱۴۰۱: ۱۱۵ - ۱۱۶) را می‌توان فرصتی برای حکومت امارت اسلامی دانست.

۷. مناقشه

تحولات و دگرگونی‌های سیاسی به دنبال خود روی کردهای متفاوتی به‌وجود می‌آورد. در حدود بیش از دو دهه (۲۰۰۱ - ۲۰۲۱م.) ادبیات متعددی در حوزه علوم سیاسی با محوریت افغانستان توسط نویسندگان، تولید و انکشاف داده شده است؛ ولی بیش‌تر این نوشته‌ها انعکاس‌دهنده وضعیت خاصی است که امروز موضوعیت ندارد. از آنجایی که منافع، قاعده رفتار دولت‌ها را طراحی می‌کند، بدین ترتیب مقاله کنونی به نقش سازمان هم‌کاری شانگهای در تعاملات منطقه‌یی حکومت امارت اسلامی پرداخته تا به تبیین نوعیت کنش و تعامل دو سویه بپردازد؛ به این معنا که الگوی منطقه‌یی سازمان هم‌کاری شانگهای و حکومت امارت اسلامی هر دو به‌عنوان بازیگران عقلانی، بنیان رفتار آن‌ها بر ساخته‌یی از منافع است و مقاله کنونی در صدد شناخت چنین منافی از ره‌گذر بُرد - بُرد می‌باشد.

۸. نتیجه‌گیری

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان برای کشورهای منطقه مخصوصاً ایران، چین و روسیه را شاید بزرگ‌ترین دست‌آورد در قبال افغانستان در دو دههٔ پسین دانست. پایان حضور امریکا در افغانستان شروع روابط جدیدی برای کشورهای منطقه بوده، زیرا آن‌ها وجود یک بازیگر جدید را به‌عنوان فرصت جدید می‌شمارند. سازمان هم‌کاری شانگهای به‌عنوان یکی از سازمان‌های منطقه‌یی نوین و منحصربه‌فرد، دارای ظرفیت قابل ملاحظه‌یی در امور سیاسی، امنیتی و اقتصادی دارد، که این سه

مؤلفه برای حکومت امارت اسلامی ضروری است. با توجه به قاعده بگیر و بستان، امارت اسلامی می‌تواند از ظرفیت‌های سازمان به نفع خود و سازمان از موجودیت حکومت امارت اسلامی به سود خود بهره‌برد، شاید این بگیر و بستان‌ها متوازن نباشد، ولی هریک از آن‌ها می‌توانند از آن بهره‌برند. گرچه حکومت امارت اسلامی هنوز عضویت سازمان هم‌کاری شانگهای را به صورت مستقل به دست نیاورده، ولی بایسته است تا از بسترهایی که قبلاً ایجاد شده به نفع خود سود جوید.

مبارزه با داعش اولین گام مثبت در تعامل امنیتی امارت اسلامی با سازمان هم‌کاری شانگهای است. سیاست‌های ضد‌داعشی آن‌ها و نگرانی کشورهای منطقه از حضور داعش در قلمرو افغانستان فرصت‌های هم‌کاری امنیتی برای هر دو طرف ایجاد می‌کند. طالبان با خوارخواندن داعش و کشورهای منطقه با تروریستی‌دانستن داعش در واقع در یک مسیر حرکت می‌کنند. داعش نه تنها تهدید برای افغانستان و کشورهای منطقه، بل که تهدید جهانی است؛ ولی آسیب‌پذیری کشورهای منطقه بیش‌تر است. چین، روسیه، کشورهای آسیای مرکزی و ایران در خط اول این تهدیدات قرار دارند. در دو سال اخیر امارت اسلامی توانست با اقدامات مؤثر و سیاست ضد‌داعشی، فعالیت آن‌ها را محدود کند، که این امر باعث رضایت‌مندی کشورهای منطقه گردیده است.

تعامل امنیتی توانسته است قدمی برای هم‌گرایی سیاسی امارت اسلامی با سازمان هم‌کاری شانگهای شود. از لحاظ سیاسی کشورهای منطقه از یک‌جانبه‌گرایی امریکا به تنگ آمده و حتا یکی از اهداف ایجاد سازمان را مقابله با یک‌جانبه‌گرایی امریکا در منطقه آسیای مرکزی می‌دانند. از چند سال به این طرف اقدامات سیاسی کشورهای منطقه نسبت به طالبان در عمل مثبت بوده، چین اولین کشوری است که استوارنامه سفیر امارت اسلامی را می‌پذیرد. سایر کشورهای منطقه فعالیت‌های دیپلماتیک و حتا سفارت‌خانه و قسول‌گری‌های خود را فعال نگه داشته‌اند و از نشست‌های منطقه‌ی به نفع حکومت مستقر در کابل استقبال و گاهی میزبانی می‌کنند. گرچه حکومت همه‌شمول هنوز یکی از موانع اصلی فرار روی امارت اسلامی و تعاملات سیاسی آن‌ها با سایر کشورهاست، ولی این موضوع ممکن است به مرور زمان با توجه به فرمت مسکو و کمیته تماس منطقه‌ی قابل حل باشد.

ORCID

Alireza Ansary " kargar"



<https://orcid.org/0009-0006-8312-5010>

ارجاع به این مقاله (APA):

. کارگر انصاری، علیرضا. (۱۴۰۳). «بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌ی امارت اسلامی افغانستان». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۱۳ (۳). ۶۷-۸۹.

<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.13.I.3.5>

To Cite this Article (APA):

. Ansary kargar, Alireza. (2024). "Studying the Role of Shanghai Cooperation Organization in the Regional Convergence of the Islamic Emirate of Afghanistan". *Ghalib Journal*. 13(3). 67-89. <https://doi.org/10.58342/ghalibj.V.13.I.3.5>

سرچشمه ها

۱. آدمی، علی؛ عزیزی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «سازمان هم‌کاری شانگهای و تهدیدات امنیتی مشترک در آسیای مرکزی». *فصل نامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. ۱۹(۸۱). ۲۸-۱. http://ca.ipisjournals.ir/article_10440.html
۲. اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران. (۱۳۹۷). «تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی (از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور)». *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ۱۱(۱). ۲۱-۱. <https://doi.org/10.22059/jcep.2018.137298.449615>
۳. اسپوزیتو، جان؛ وال، جان. (۱۳۹۳). *جنبش‌های اسلامی معاصر* (اسلام و دموکراسی). ترجمه شجاع احمدوند. چ پنجم. تهران: نشر نی.
۴. اسلامی، محسن؛ ایاز، بهروز. (۱۳۹۶). «بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۶(۲۱). ۲۲۵-۲۵۰. <https://doi.org/10.22054/qpps.2017.7693>
۵. امینی، آرمین؛ موسوی، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۲). «شانگهای: منطقه‌گرایی نوین و تهدید منافع امریکا در آسیای مرکزی». *فصل نامه علمی راهبرد*. ۲۲(۴). ۱۱۵ - ۱۴۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.10283102.1392.22.4.5.0>
۶. رای، لیک، دیوید؛ ام، مورگان، پاتریک. (۱۳۹۵). *نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت‌سازی در جهان نوین*. ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی. چ سوم. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.
۷. طلوع‌نیوز. (۱۴ حمل ۱۴۰۱). «امارت اسلامی کشت کوکنار و تولید مواد مخدر را در کشور ممنوع کرد». <https://tolonews.com/fa/afghanistan-177402>
۸. بایوردی، اسماعیل؛ خبیری، کابک؛ شاه‌زایی، محمدحسن. (۱۳۹۴). «بررسی سیاست خارجی آمریکا در مبارزه با تروریسم: اهداف و پیامدهای پیمان امنیتی کابل- واشنگتن». *مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل)*. ۸(۳۰). ۱۰۵-۱۴۶. <https://sid.ir/paper/247580/fa>
۹. برژینسکی، زیگنیو. (۱۳۹۶). *انتخاب: سلطه یا رهبری*. ترجمه امیرحسین نوروزی. تهران: نشر نی.
۱۰. برژینسکی، زیگنیو. (۱۳۹۴). *خارج از کنترل: اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم*. ترجمه عبدالرحیم نوه ابراهیم. چ سوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۱. بوزان، باری. (۱۳۸۹). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهش‌کده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.

[بررسی نقش سازمان همکاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌بی امارت ا.ا.]

۱۲. بی.بی.سی. (۳۰ بهمن / دلو ۱۴۰۲). «پایان نشست دوحه؛ نگرانی گوترش از بن بست توافق نظر با طالبان و خودداری روسیه از دیدار با نمایندگان جامعه مدنی افغانستان». بی.بی.سی. <https://www.bbc.com/persian/articles/c3g0vel5ydv0>
۱۳. خلیلی، محسن؛ زارعی‌هدک، معصومه. (۱۳۹۲). «بازشناسی سازمان همکاری شانگهای بر بنیان نسل سوم نظریه منطقه‌گرایی». فصل‌نامه سازمان‌های بین‌المللی. (۳)۱۵۰ - ۱۲۱. <http://iojournal.csr.ir/Article/37752>
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۸). «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی». مطالعات اورسیای مرکزی. (۱)۳. ۹۹ - ۱۱۶. https://jcep.ut.ac.ir/article_21155.html
۱۵. رئیسی‌نژاد، آرش؛ برنجی، نسیم. (۱۴۰۱). «مدل منطقه‌گرایی سازمان همکاری شانگهای». مطالعات اورسیای مرکزی. (۱)۱۵. ۱۰۱-۱۲۶. <https://doi.org/10.22059/jcep.2022.342405.450069>
۱۶. سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر. (۱۳۹۷). «داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق». فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل. (۱)۱۱. ۳۷ - ۶۳. <https://sanad.iau.ir/journal/prb/Article/540410?jid=540410>
۱۷. سیمبر، رضا؛ پادروند، مهدی. (۱۳۹۷). «چالش‌های سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی». فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز. (۱)۱۰۱. ۵۷ - ۸۵. http://ca.ipisjournals.ir/article_31760.html
۱۸. یورونیزو فارسی. (۵ نوامبر ۲۰۲۳). «سازمان ملل متحد: کشت خشخاش در افغانستان از زمان ممنوعیت طالبان ۹۵٪ کاهش یافته است». خبرگزاری یورونیزو. <https://parsi.euronews.com/2023/11/05/poppy-growth-down-95-in-afghanistan-since-taliban-ban>
۱۹. سیرت، حسین. (۱۴/۰۴/۱۴۰۲). «سازمان شانگهای: تشکیل دولت فراگیر در افغانستان ضروری است». خبرگزاری دویچه وله. <https://p.dw.com/p/4TRQ4>
۲۰. سینائی، وحید؛ خطیبی، احمد ارشاد. (۱۴۰۲). «اقتصاد سیاسی طالبان (۱۹۹۶ - ۲۰۰۱)». مطالعات اورسیای مرکزی. (۱)۱۶. ۲۲۳ - ۲۴۸. <https://doi.org/10.22059/jcep.2023.345868.450085>
۲۱. صانعی، راضیه؛ ترابی، قاسم؛ رضایی، علیرضا. (۱۴۰۱). «رویگرد چین در قبال قدرت‌یابی طالبان در افغانستان (با تأکید بر ابتکار جاده ابریشم)». فصل‌نامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل. (۴)۱۵. ۱۰۶ - ۸۷. <https://sanad.iau.ir/journal/prb/Article/700607?jid=700607>
۲۲. فارل، ماری؛ هتنه، بورن؛ لانگمن هووه، لوک وان. (۱۳۹۴). «سیاست جهانی منطقه‌گرایی». ترجمه داود آقایی و ابراهیم طاهری. تهران: خرسندی.
۲۳. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). «نظریه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای». تهران: نشر میزان.
۲۴. کرمی، جهانگیر؛ جهانبخش، محمد تقی. (۱۳۹۲). «جایگاه افغانستان در سیاست امنیتی فدراسیون روسیه». سیاست جهان. (۲)۴. ۳۳-۶۵. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_1296.html

۲۵. کوشکی، محمدصادق؛ حسینی، سید محمود. (۱۳۹۶). «فرصت‌ها و چالش‌های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای». *فصل نامه سیاست*. ۴۷(۳): ۷۵۲ - ۷۳۷. <https://doi.org/10.22059/jpq.2017.62862>
۲۶. کولایی، الهه؛ تیشه‌یار، ماندانا. (۱۳۹۱). «نقش امنیت ساز سازمان همکاری شانگهای در پیرامون افغانستان». *فصل نامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی*. ۱(۲): ۸۴-۶۱. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_731.html
۲۷. گودرزی، مهناز. (۱۳۹۳). «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی: تعامل یا تقابل» (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای). *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ۷(۲): ۳۳۵-۳۵۳. <https://doi.org/10.22059/jcep.2014.52983>
۲۸. محب‌پور، اسماعیل؛ شفیعی، نوذر؛ بیری گنبد، سکینه. (۱۴۰۲). «ظرفیت‌های اقتصادی سازمان همکاری شانگهای برای جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. ۱۳(۱): ۳۴۱-۳۶۷. <https://doi.org/10.22034/irr.2023.384685.2348>
۲۹. موسی‌زاده، رضا. (۱۳۹۵). *سازمان‌های بین‌المللی*. چ بیست و دوم. تهران: نشر میزان.
۳۰. بی.بی.سی. (۸ مهر / میزان ۱۴۰۲). «نشست منطقه‌ای فرمت مسکو با صراحت بیش‌تر با طالبان صحبت کرد». *خبرگزاری بی.بی.سی.* <https://www.bbc.com/persian/articles/c28vx7erkygo>
۳۱. والتز، کنت. (۱۳۹۸). *انسان، دولت و جنگ*. ترجمه محمدرضا رستمی. تهران: نشر ثالث.
۳۲. هتته، بیوردن؛ اینوتای، آندراش؛ سونکل، اوزوالدو. (۱۳۹۱). *منطقه‌گرایی نو و آینده امنیت و توسعه*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۳. بی.بی.سی. (۱۰ دی / جدی ۱۴۰۲). «هشدار وزیر دفاع طالبان در مورد ورود افراد داعش از کشورهای همسایه به افغانستان». *خبرگزاری بی.بی.سی.* <https://www.bbc.com/persian/articles/cy7rnz0r808o>

References

- Adami, Ali; Azizi, Hamidreza. (2013). "The Shanghai Cooperation Organization and Common Security Threats in Central Asia." *Central Asia and the Caucasus Scientific Quarterly Journal*. 19(81), 1-28. http://ca.ipisjournals.ir/article_10440.html (In persian)
- Akhavan Kazemi, Masoud; Sadeghi, Seyyed Shamsuddin; Lotfi, Kamran. (2018). "Analysis of the Political and Social Background of ISIS Presence in Central Asia (From the Threat of Influence to the Reality of Presence)." *Central Eurasia Studies*. 11(1), 1-21. <https://doi.org/10.22059/jcep.2018.137298.449615> (In persian)
- Espósito, John & Voll, John. (2014). *Contemporary Islamic Movements (Islam and Democracy)*. Translated by Shoja Ahmadvand. 5th ed. Tehran: Nashr Ney. (In persian)
- Eslami, Mohsen & Ayaz, Behrouz. (2017). "Examining the Causes of ISIS Infiltration in Central Asia and Its Possible Consequences." *Strategic Policy Research Journal*. 6(21), 225-250. <https://doi.org/10.22054/qps.2017.7693> (In persian)
- Amini, Armin & Mousavi, Seyyed Mohammadreza. (2013). "Shanghai: A New Regionalism and the Threat to U.S. Interests in Central Asia." *Rahbord Scientific Quarterly Journal*. 22(4), 115-140. <https://dori.net/dor/20.1001.1.10283102.1392.22.4.5.0> (In persian)

6. Lake, David A. & Morgan, Patrick M. (2016). *Regional Orders: Securing Global Security in the New World*. Translated by Seyyed Jalal Dehghani Firoozabadi. 3rd ed. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In persian)
7. Tolo News. (April 3, 2022). "The Islamic Emirate Banned the Cultivation of Poppies and Production of Narcotics in the Country." *Tolo News*. <https://tolonews.com/fa/afghanistan-177402> (In persian)
8. Baybordi, Esmail; Khabiri, Kabek; Shahrezaei, Mohammad Hassan. (2015). "U.S. Foreign Policy in the Fight Against Terrorism: Goals and Outcomes of the Kabul-Washington Security Pact." *International Relations Studies (International Relations Research Journal)*. 8(30), 105-146. <https://sid.ir/paper/247580/fa> (In persian)
9. Brzezinski, Zbigniew. (2017). *The Choice: Global Domination or Global Leadership*. Translated by Amirhossein Norouzi. Tehran: Nashr Ney. (In persian)
10. Brzezinski, Zbigniew. (2015). *Out of Control: Global Turmoil on the Brink of the 21st Century*. Translated by Abdolrahim Noebrahim. 3rd ed. Tehran: Ettelaat Publications. (In persian)
11. Buzan, Barry. (2010). *People, States, and Fear*. Translated by the Strategic Studies Research Institute. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In persian)
12. BBC. (February 19, 2024). "End of Doha Meeting: Guterres' Concerns Over Stalemate in Agreement with the Taliban, and Russia's Refusal to Meet Afghan Civil Society Representatives." *BBC*. <https://www.bbc.com/persian/articles/c3g0yel5ydvo> (In persian)
13. Khalili, Mohsen; Zarei-Hedak, Masoumeh. (2013). "Recognizing the Shanghai Cooperation Organization Based on the Third Generation of Regionalism Theory." *International Organizations Quarterly Journal*. 1(3), 121-150. <http://iojournal.csr.ir/Article/37752> (In persian)
14. Dehghani Firoozabadi, Jalal. (2009). "Transformation in Theories of Regionalism." *Central Eurasia Studies*. 3(1), 99-116. https://jcep.ut.ac.ir/article_21155.html (In persian)
15. Raesinejad, Arash; Berenji, Nasim. (2022). "The Shanghai Cooperation Organization's Model of Regionalism." *Central Eurasia Studies*. 15(1), 101-126. <https://doi.org/10.22059/jcep.2022.342405.450069> (In persian)
16. Seifi, Abdolmajid; Pourhasan, Naser. (2018). "ISIS and the Emergence of Threat Balancing in Iran-Iraq Relations." *International Relations Studies Quarterly Journal*. 11(1), 37-63. <https://sanad.iau.ir/journal/prb/Article/540410?jid=540410> (In persian)
17. Simbar, Reza; Padarvand, Mahdi. (2018). "Challenges of Russian Foreign Policy in Central Asia." *Central Asia and the Caucasus Quarterly Journal*. 101(1), 57-85. http://ca.ipisjournals.ir/article_31760.html (In persian)
18. Euronews Persian. (November 5, 2023). "UN: Poppy Cultivation in Afghanistan Has Dropped by 95% Since the Taliban's Ban." *Euronews*. <https://parsi.euronews.com/2023/11/05/poppy-growth-down-95-in-afghanistan-since-taliban-ban> (In persian)
19. Seerat, Hossein. (July 4, 2023). "Shanghai Cooperation Organization: Forming an Inclusive Government in Afghanistan is Essential." *Deutsche Welle News Agency*. <https://p.dw.com/p/4TRQ4> (In persian)
20. Sinaee, Vahid; Khatibi, Ahmad Ershad. (2023). "The Political Economy of the Taliban (1996-2001)." *Central Eurasia Studies*. 16(1), 223-248. <https://doi.org/10.22059/jcep.2023.345868.450085> (In persian)
21. Sanaei, Raziheh; Torabi, Qasem; Rezaei, Alireza. (2022). "China's Approach to Taliban Empowerment in Afghanistan (With Emphasis on the Belt and Road Initiative)." *International Relations Studies Quarterly Journal*. 15(4), 87-106. <https://sanad.iau.ir/journal/prb/Article/700607?jid=700607> (In persian)
22. Farrell, Mary; Hetherington, Bourne; Langman Hoove, Luke Van. (2015). *Global Regionalism Politics*. Translated by Davood Aghaie and Ebrahim Taheri. Tehran: Khorsandi Publications. (In persian)
23. Qasemi, Farhad. (2011). *International Relations Theory and Regional Studies*. Tehran: Mizan Publications. (In persian)

24. Karami, Jahangir; Jahanbakhsh, Mohammad Taqi. (2013). "Afghanistan's Position in Russia's Security Policy." *Global Politics*. 4(2), 33-65. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_1296.html (In persian)
25. Koushki, Mohammad-Sadegh; Hosseini, Seyyed Mahmoud. (2017). "Opportunities and Challenges of the Islamic Republic of Iran's Membership in the Shanghai Cooperation Organization." *Politics Quarterly*. 47(3), 737-752. <https://doi.org/10.22059/jpq.2017.62862> (In persian)
26. Kolaii, Elaheh; Teshayyar, Mandana. (2012). "The Security Role of the Shanghai Cooperation Organization in the Context of Afghanistan." *Global Politics Quarterly*. 1(2), 61-84. https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_731.html (In persian)
27. Goudarzi, Mahnaz. (2014). "Globalization and Regionalism: Interaction or Conflict (A Case Study of the Shanghai Cooperation Organization)." *Central Eurasia Studies*. 7(2), 335-353. <https://doi.org/10.22059/jcep.2014.52983> (In persian)
28. Mohibpour, Ismail; Shafiei, Nozar; Babri Gonbad, Sakineh. (2023). "Economic Capacities of the Shanghai Cooperation Organization for the Islamic Republic of Iran." *International Relations Research*. 13(1), 341-367. <https://doi.org/10.22034/irr.2023.384685.2348> (In persian)
29. Mousazadeh, Reza. (2016). *International Organizations*. 22nd ed. Tehran: Mizan Publications.
30. BBC. (September 30, 2024). "The Moscow Format Regional Meeting Spoke More Clearly with the Taliban." *BBC News*. <https://www.bbc.com/persian/articles/c28vx7erkygo> (In persian)
31. Waltz, Kenneth. (2019). *Man, the State, and War*. Translated by Mohammadreza Rostami. Tehran: Third Wave Publications. (In persian)
32. Hetherington, Beowulf; Inotai, Andras; Sunkel, Osvaldo. (2012). *New Regionalism and the Future of Security and Development*. Translated by Alireza Tayeb. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (In persian)
33. BBC. (January 1, 2024). "Taliban Defense Minister Warns of ISIS Infiltrators from Neighboring Countries into Afghanistan." *BBC News*. <https://www.bbc.com/persian/articles/cy7rmz0r808o> (In persian)